

پرده‌ی هفتم. در تدارک عملیات

حسن باقری، فرمانده اطلاعات عملیات، گفته بود همه چیز را گزارش کنید. حتی این که فلان جا هیچ خبری نیست، برای من خبر است. می‌گفت: «پشت دوربین دیده‌بانی هم که می‌نشینی باید با دقت از منطقه عبور کنی و خودت را همان جا ببینی که داری نگاهش می‌کنی. قدم به قدم هدف‌ها را تعقیب کن. آن قدر تمرکز کن که به جای دیگری توجه نداشته باشی. باید به عمق منطقه بروی و حس کنی روی زمین راه می‌روی. همان اندازه که روی زمین رفتنت طول می‌کشد با چشم برو. تمام پستی‌بلندی‌ها را طی کن. وقتی به دکل ابوذر برمی‌گردی باید همان قدر خسته باشی که انگار پیاده رفته‌ای.»

جنگی از آن‌ها بگذرند. مهندسی ارتش از پادگان‌های سراسر کشور هرچه قطعه داشت جمع کرد در منطقه. جوشکاری‌های طولانی و آماده کردن ساحل دو سوی رودخانه در شرایطی که دشمن هم نباید متوجه می‌شد کار بسیار پیچیده‌ای بود که رزمندگان جهاد و مهندسی ارتش و سپاه آن را به سرانجام رساندند. هرکس پی کاری بود. گروهی قایق می‌آوردند برای عبور نیروهای پیاده. عده‌ای در شهرها دنبال جذب نیرو بودند. محسن رضایی هم از صیاد خواست بسیجی‌ها را در پادگان‌های ارتش آموزش دهند که ارتشی‌ها با جان و دل همکاری کردند. آموزش‌ها کوتاه‌مدت بودند، اما سخت و نفس‌گیر.

بهداری، هوانیروز و نیروی هوایی سخت کار کردند. نیروهای بهداری پزشک‌ها را سازمان‌دهی کردند و بیمارستان‌های صحرایی را برپا. تکنسین‌های هوانیروز بالگردهایی را که در فتح‌المبین شرکت کرده بودند یک‌ماهه آماده کردند. آن‌ها باید پشتیبانی عملیات، جابه‌جایی نیروها و انتقال مجروحان را دقیق و سریع انجام می‌دادند. نیروی هوایی چند پایگاه موشکی ساخت تا از نیروهایی که از کارون می‌گذرند پشتیبانی کند. در ده روز قبل از شروع عملیات، خلبان‌های نیروی هوایی حدود صد تن بمب روی نیروهای عراق در محور شمالی ریختند و عراقی‌ها تصور کردند جهت اصلی حمله‌ی ایران محور

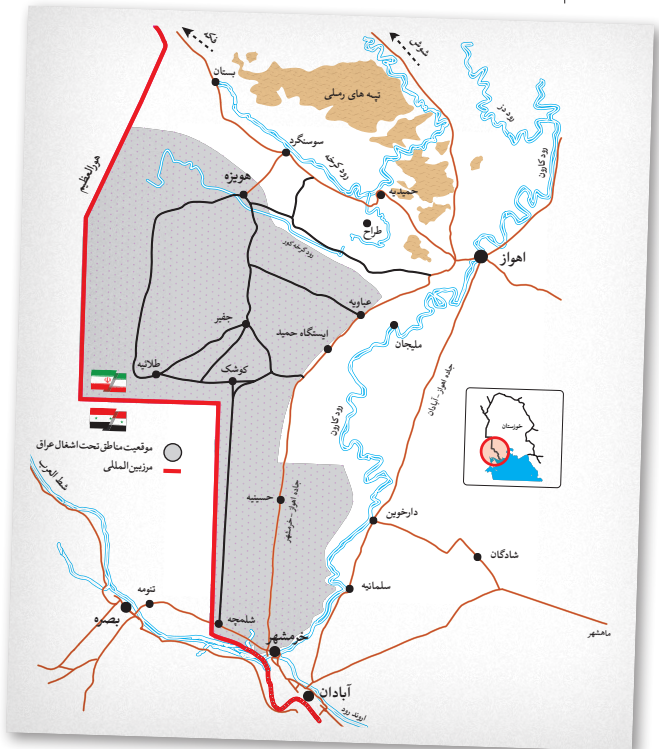
➔ مناطق باقی‌مانده در اشغال عراق پیش از عملیات بیت‌المقدس. مرزهای شمال و مرز خوزستان آزاد شده بود و مانده بود جبهه‌ی جنوب خوزستان.

از سخت‌ترین عملیات‌های نظامی دنیا بود. قبل از انقلاب، ایران در منطقه‌ی خوزستان چند مانور انجام داده بود. در این مانورها دشمن فرضی از مرز خوزستان گذشته و به کارون چسبیده بود. نیروها هم می‌بایست از کارون می‌گذشتند و به دشمن فرضی در غرب کارون حمله می‌کردند. مانورها هیچ‌کدام موفقیت‌آمیز نبود و فرماندهان ارتش پیش از انقلاب به این نتیجه رسیده بودند که رسیدن دشمن به کارون یعنی خط قرمز خوزستان. آن مانورها با کمک مستشارهای خارجی بسیاری انجام شده بود و بعید نبود در سال ۶۱ آن مستشاران کنار ارتش صدام باشند یا اطلاعات مانورهای ایران را به او رسانده باشند. یعنی گفته باشند که ایرانی‌ها نمی‌توانند از کارون عبور کنند. چه متأثر از این اخبار چه به هر دلیل دیگر، عراق حاشیه‌ی کارون را رها کرده و کنار جاده‌ی اهواز-خرمشهر

دژ محکمی ساخته بود که بر ساحل کارون مسلط بود. اما ایرانی‌ها تصمیم گرفته بودند از کارون بگذرند. ساعت‌ها جلسه گذاشتند تا عملیات گذر را طراحی کنند. گذشتن از کارون یک مسئله بود، چگونگی ادامه‌ی عملیات پس از گذر، مسئله‌ی دیگر. آیا نیروها باید پخش شوند و جلو بروند یا بدون گسترش پیش بروند؟ خستگی ناشی از بیست کیلومتر پیاده‌روی را چگونه باید تدبیر می‌کردند؟ فرماندهان سپاه می‌گفتند نباید عملیات را در چند مرحله طراحی کنیم، می‌گفتند ممکن است بعد از هر مرحله نیروها خسته شوند و کار سخت شود. ارتشی‌ها می‌گفتند مرحله‌ای شدن به فرماندهی امکان می‌دهد که دقیق‌تر برنامه‌ریزی کند. تصمیم نهایی چیزی بود میان مرحله‌ای شدن و مرحله‌ای نشدن. در طرح عملیات به‌جای مرحله نوشته بودند ابتدا چنین می‌کنیم سپس چنان.

تلاش همه‌جانبه

نیروهای جهاد سازندگی و مهندسی سپاه و ارتش پل‌هایی را آماده‌ی عملیات می‌کردند که ماشین‌های زرهی و



ماموریت سخت

حالا با آزادی سرزمینی وسیع در عملیات فتح‌المبین، خرمشهر نمادی مهم بود که به نوعی آزادی آن سرنوشت جنگ در این دو سال را مشخص می‌کرد و حفظ آن برای صدام و آزادی‌اش برای ایران حیاتی بود.

طراحان ارتش و سپاه با تکیه بر گزارش‌های شناسایی، عکس‌های هوایی و تجربه‌ی گذشته طراحی عملیات را شروع کردند. برای رسیدن به خرمشهر، یک راه، حمله از شمال منطقه‌ی اشغالی بود؛ مشابه عملیات نصر که زمان فرماندهی بنی‌صدر انجام شد. یعنی از شمال خط دشمن را بشکنیم، بعد صد کیلومتر برویم و به خرمشهر برسیم. این راه غافلگیری نداشت و نیروهای عراق هم در این مسیر آماده بودند. زمین را هم مسلح کرده بودند. پس معقول نبود. این طرح را کنار گذاشتند. طرح بعدی بر گذشتن از کارون تکیه داشت. گذر از جایی حدوداً چهل کیلومتری خرمشهر و در میان نیروهای عراق. البته می‌بایست هم‌زمان بخشی از نیروها هم از شمال حمله می‌کردند. گذشتن از رودخانه

